

خدا چون سلام به روی ماهت...

ماروین و جیمز ۲: مواظب دوستت باش



ناشر خیلی متفاوت کتاب‌های کودک و نوجوان!

مواظب دوستت باش

ماروین
وجیمنز

الیز بروج • کلی مرفی • فاطمه سراجی

سرشناسه: بروچ، الیز

Broach, Elise

عنوان و نام پدیدآور: مواظب دوستت باش / نویسنده الیز بروچ؛ تصویرگر کلی مرفی؛ مترجم فاطمه سراجی.

مشخصات نشر: تهران: نشر پرتقال، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: ۱۱۲ ص. مصور (رنگی)، ۵/۱۴×۲۱/۵ س.م.

فروست: ماروین و جیمز؛ ۲.

شابک: دوره ۵-۴۷۲-۴۶۲-۶۰۰-۹۷۸-۷-۵۲۲-۴۶۲-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: James to the rescue, 2015.

موضوع: داستان‌های کودکان (آمریکایی) -- قرن ۲۱ م.

موضوع: Children's stories, American -- 21th century

شناسه‌ی افزوده: مرفی، کلی، ۱۹۷۷ - م. تصویرگر

شناسه‌ی افزوده: Murphy, Kelly, 1977

شناسه‌ی افزوده: سراجی، فاطمه، ۱۳۶۴ - مترجم

رده‌بندی کنگره: PS۳۶۰۳/۸۶م۸ ۱۳۹۷

رده‌بندی دیویی: [ج] ۸۱۳/۶

شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۵۵۴۷۸۶۳

۷۰۹۶۵۰۱



انتشارات پرتقال

ماروین و جیمز ۲:

مواظب دوستت باش

نویسنده: الیز بروچ

تصویرگر: کلی مرفی

مترجم: فاطمه سراجی

ویراستار: آناهید خرمی

مشاور هنری نسخه‌ی فارسی: کیانوش غریب‌پور

طراح جلد نسخه‌ی فارسی: نیلوفر مرادی

آمادسازی و صفحه‌آرایی: آتلیه‌ی پرتقال / عاطفه قلیچ‌خانی - مهدیه عصارزاده - سجاد قربانی

مشاور فنی چاپ: حسن مستقیمی

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۶۲-۵۲۲-۷-۵۲۲-۴۶۲-۶۰۰-۹۷۸

نوبت چاپ: اول - ۹۸

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: نقش سبز

چاپ: پرسیکا

صحافی: تیرگان

قیمت: ۲۵۰۰۰ تومان



۳۰۰۰۶۳۵۶۴



۰۲۱- ۶۳۵۶۴



www.porteghaal.com



kids@porteghaal.com

تقدیم به دو فرشته‌ی زندگی من
پدر و مادرم
ف.س

فهرست

فصل اول

روز جمع آوری ۹

فصل دوم

یک چیز به درد بخور ۲۵

فصل سوم

عموآلبرت به در دسر می افتد ۴۸

فصل چهارم

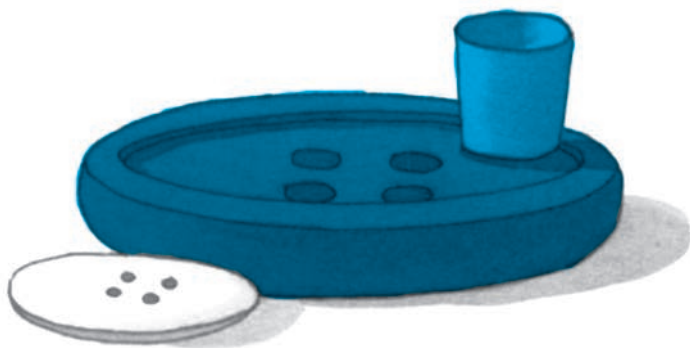
جیمز به کمک می آید! ۶۲

فصل پنجم

عموآلبرت خوب می شود ۸۶

فصل اول

روز جمع آوری



ماروین خیلی هیجان زده است چون امروز روز جمع آوری است؛ بابا و عموآلبرت برای جمع آوری بیرون می روند. روز جمع آوری روزی است که سوسک ها به اطراف خانه ی خانواده ی پمپدی می روند و به دنبال چیزهایی می گردند که به دردشان بخورد.
یک دکمه برای آن ها یک میز است.

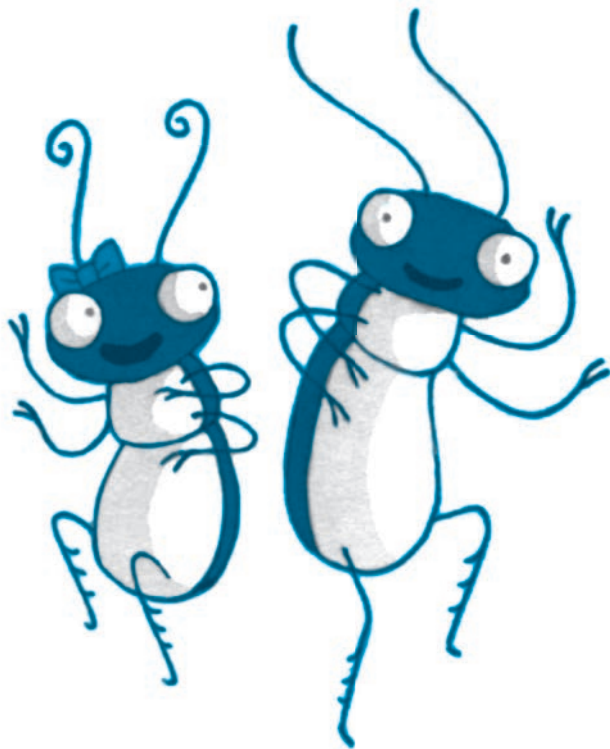
کفش یک عروسک هم یک صندلی راحت.





در یک خمیردندان هم می‌تواند ظرف خوبی برای
خوراکی‌های مهمانی باشد.

ماروین و الاین هم برای اولین بار اجازه دارند تا به جمع‌آوری بروند. اصلاً معلوم نیست که چه چیزهایی قرار است پیدا کنند. آن‌ها آن قدر هیجان‌زده هستند که با خوشحالی بالا و پایین می‌پرند. این‌طوری:

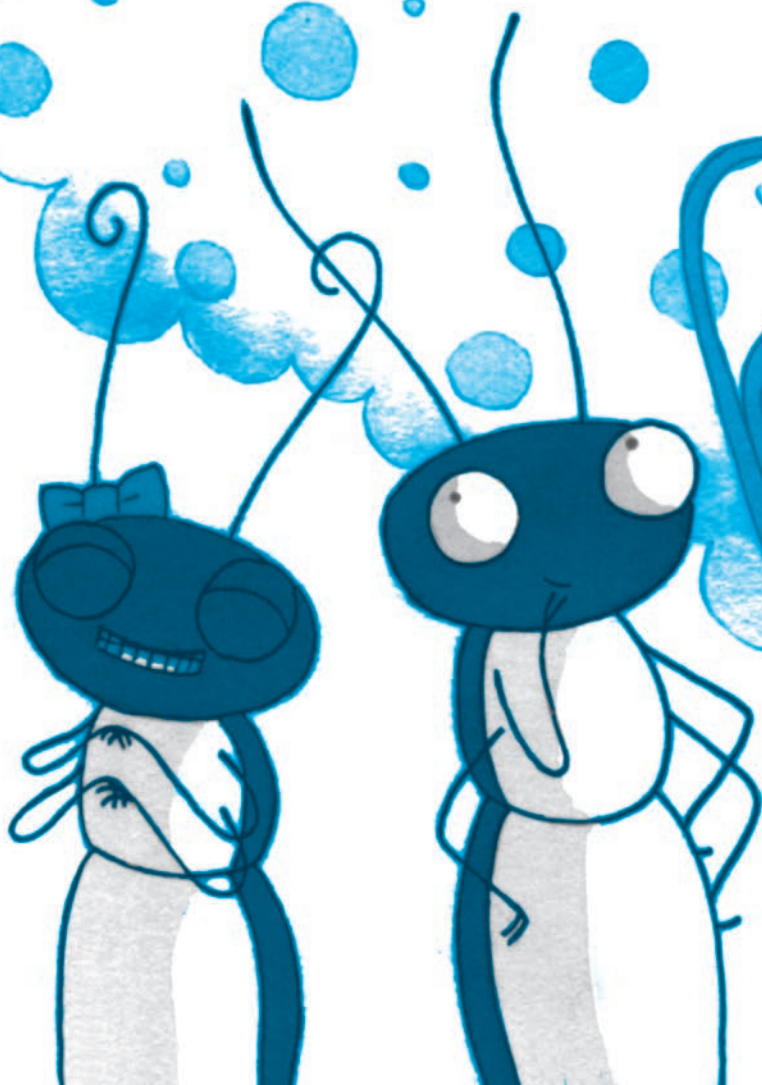




مامان زیاد از این بابت خوشحال نیست.
او می‌گوید: «لطفاً مراقب باشید. جمع‌آوری کار خطرناکی
است. شما باید به حرف بابا و عموالبرت گوش کنید.»
ماروین به مامان قول می‌دهد. «چشم مامان.»

الاین می‌گوید: «حتماً خیلی خوش می‌گذرد! من مطمئنم
که یک چیز خیلی خوب پیدا می‌کنیم.»
ماروین می‌گوید: «امیدوارم.» او به چیزهایی فکر
می‌کند که ممکن است پیدا کند.

شاید قطعه‌ای از یک مداد شمعی...
یا یک تکه کاغذ کادوی کوچک...
یا چیزی که بتواند آن را داخل مخفیگاهش ببرد.

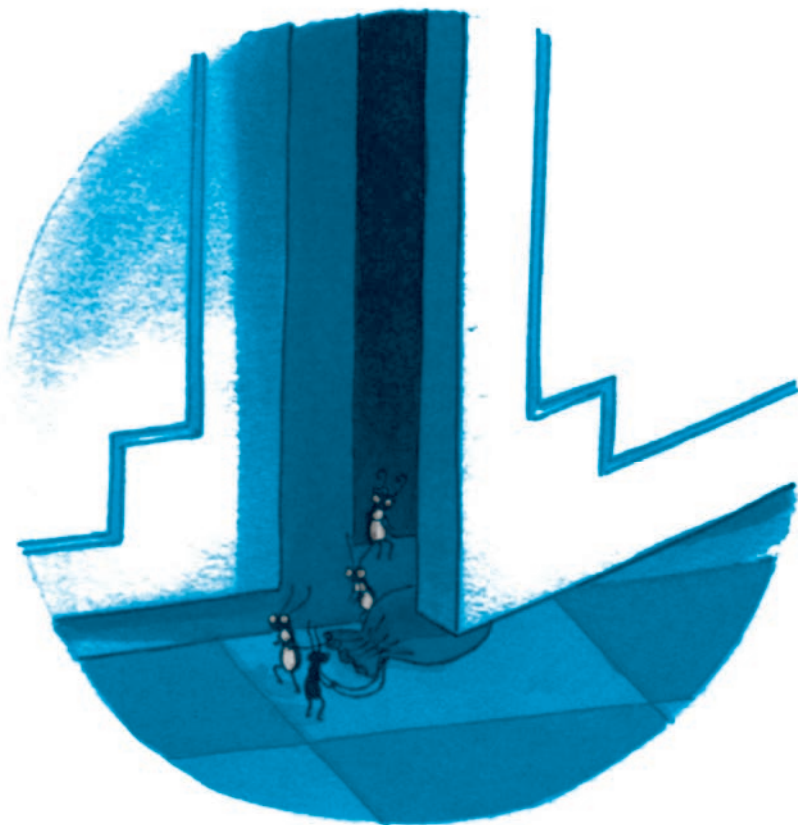




بابا می‌گوید: «آماده‌اید؟»

ماروین و الاین با خوشحالی فریاد می‌زنند: «بله!»
بابا و عموآلبرت یک کیسه‌ی کوچک دارند که آن را با
نخ به این طرف و آن طرف می‌کشند. کیسه‌ی آبی‌رنگ
و نرمی که خانم پمپدی قبلاً یک جفت گوشواره در آن
می‌گذاشته. اما حالا این کیسه یک ساک مناسب برای
جمع‌آوری وسایل است.

عموآلبرت می‌گوید: «بیایید برویم.»
بابا، عموآلبرت، ماروین و الین یواشکی در کابینت
آشپزخانه را باز می‌کنند و از خانه بیرون می‌روند.



ویلیام، برادر کوچولوی جیمز در آشپزخانه است. او یک قاشق را همین‌طور به کف زمین می‌کوبد.

بَنگ! بَنگ! بَنگ!

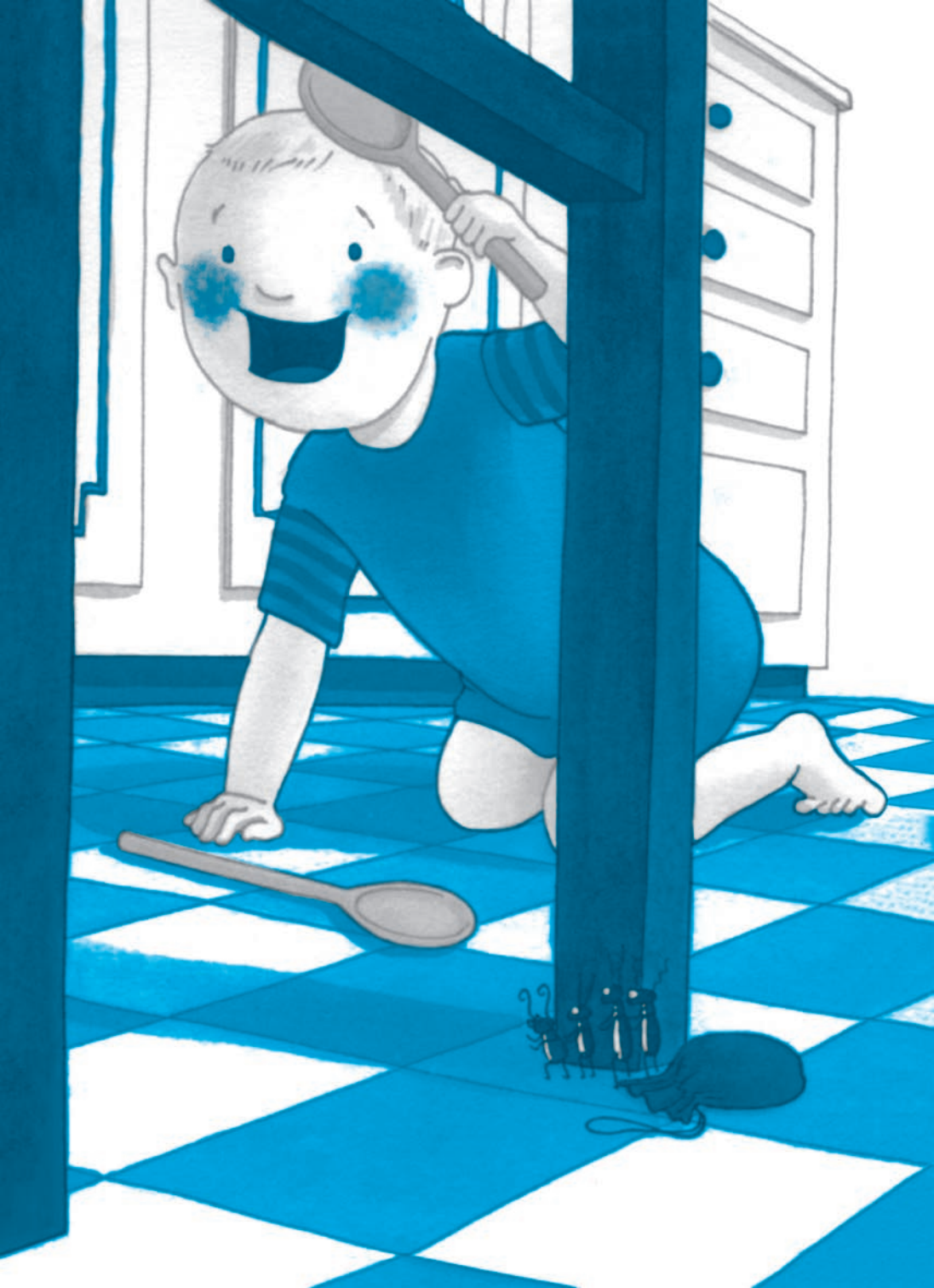
سوسک‌ها ویلیام را دوست ندارند. آن‌ها کنار پایهی صندلی پنهان می‌شوند.

اما ویلیام آن‌ها را می‌بیند.

او می‌گوید: «دَدَا!»

اُه! او همین‌طور که قاشقش را به زمین می‌کوبد خودش را به آن طرف آشپزخانه می‌کشد.





سوسک‌ها با سرعت از دست او فرار می‌کنند.
ویلیام چهار دست‌وپا به دنبال آن‌ها می‌رود.
او فریاد می‌زند: «دَدَا!»
ویلیام قاشقش را بالای سر آن‌ها می‌برد.
بابا می‌گوید: «بایستید، خودتان را روی زمین بیندازید و
قِل بخورید.»
همه‌ی سوسک‌ها خودشان را به شکل توپ‌های کوچکی
جمع می‌کنند.

